

تأثیر عبادت در پابندی به قوانین اجتماعی از منظر قرآن و احادیث

محمد نظیر عرفانی*

**
رحمت الله عرفانی

چکیده

از موضوعات مهم که قرآن آن تاکید دارد عبادت می باشد و آن را به عنوان غرض خلقت انسان بیان نموده است که آثار فراوان انفرادی و اجتماعی بر آن مترتب می شود، قرآن کریم برخی از آثار اجتماعی عبادت همچون تأثیر عبادت در اصلاح زندگی اجتماعی، اخلاق اجتماعی و کاهش آسیب های زندگی اجتماعی را بیان کرده است، انجام عبادت، برای فرد آرامش روانی پدید می آورد و دل مومن را امنیت می بخشد، آنان که حلاوت عبادت خالص در شب و راز گویی با خداوند عالمیان را چشیده اند؛ پس از ادای عبادت به سکینه و آرامشی کامل دست می یابند که این عاملی اساسی در ایجاد خود کنترلی در فرد است تقویت باورهای دینی باعث ایجاد محیط اجتماعی سالم می گردد. رفتارهای مردم بر پایه فطرت سالم شکل می گیرد و با گسترش فضای سالم و محیطی معنوی باعث کاهش تخلف و جرم می گردد یافته های تحقیق حاضر که به شیوه توصیفی تحلیلی و به روش کتابخانه ای نگاشته شده است حاکی از آن است که عبادت از طریق ایجاد و تقویت خود کنترلی، حاکم سازی روح جرم ستیزی در محیط، احترام به قانون و دیگر افراد جامعه و ایجاد فضای معنوی در جامعه و کاهش آسیب های اجتماعی موجب پابندی به قوانین اجتماعی می گردد.

واژگان کلیدی: عبادت، جرم ستیزی، نماز، روزه، معنویت، قوانین اجتماعی.



* استادیار، جامعه المصطفی العالمیه، (نویسنده مسئول)، mna8181@yahoo.com

** دانش آموخته سطح چهار فقه و اصول، جامعه المصطفی العالمیه، rahmat1964@gmail.com

مقدمه

انسان، موجودی اجتماعی بوده و در زندگی خویش ناگزیر از ارتباط و تعامل با دیگران است؛ چنانکه رشد و تأمین سعادت آدمی، در گرو توسعه همه جانبه جامعه بوده، تعالی جامعه نیز در گرو رفتارهای اجتماعی افرادی است که در آن زندگی می کنند. دین اسلام، بیشتر از اینکه دارای آموزه های فردی و اخلاقی باشد، ارائه دهنده آموزه های اجتماعی و سیاسی است و معمولاً اهداف این آیین کامل الهی، از بستر اجتماع گذر می کند.

بر این اساس، بسیاری از مبانی دین اسلام ضمن تأکید بر حضور موثر در جامعه، بر رویکرد و راهکارهای خاصی عنایت دارد که به رفتارهای مطلوب در جامعه می انجامد. همان طور که می دانیم در جامعه محیط های مختلفی مثل خانواده، مدرسه، مسجد و ... فرد را احاطه کرده اند. لذا عبادت سبب می شود که فرد در این محیط ها رفتار اجتماعی مطلوبی از خود نشان دهد که در این تحقیق به بررسی تاثیر عبادات بر پابندی به قوانین اجتماعی می پردازیم.

۱. تأثیر عبادت در پابندی فرد به قوانین اجتماعی

۱-۱. ایجاد و تقویت خود کنترلی

انجام عبادت، برای فرد آرامش روانی پدید می آورد و دل مومن را امنیت می بخشد، آنان که حلاوت عبادت خالص در شب و راز گویی با خداوند عالمیان را چشیده اند؛ پس از ادای عبادت به سکینه و آرامشی کامل دست می یابند که این عاملی اساسی در ایجاد خود کنترلی در فرد است. انسان وقتی به راز و نیاز با خدا می پردازد باید هوشیار باشد چرا که قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى؛ آن گاه که مست هستید نزدیک نماز نشوید.» (نساء/۴۳)

از دیدگاه صاحب المنار اقامه نماز به وجه اکمل آن این است که فرد مومن با آگاهی به عظمت خداوند و با خشوع در مقابل خداوند نماز را به جا آورد و این چنین نمازی باعث می شود که به اوامر الهی تن دهد و نواهی الهی را ترک نماید. (رشید رضا، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۱۳)

تحریم نماز در حال مستی، یعنی افراد مست نمی توانند مشغول اداء فریضه نماز شوند و نماز آنها در این حال باطل است، فلسفه آن هم روشن است، زیرا نماز گفتگوی بنده و راز و نیاز او با خدا است و باید در نهایت هوشیاری انجام گردد و افراد مست از این مرحله دور و بیگانه اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۹۵)



ممکن است در اینجا کسانی سؤال کنند که آیا مفهوم آیه فوق این نیست که نوشیدن مشروبات الکلی فقط در صورتی ممنوع است که مستی تا حال نماز باقی بماند و دلیل ضمنی بر جواز آن در سایر حالات می‌باشد؟! پاسخ این سؤال- به خواست خدا- به طور تفصیل در تفسیر آیه ۹۰ سوره مائده خواهد آمد اما بطور اجمال این است که اسلام برای پیاده کردن بسیاری از احکام خود، از روش "تدریجی" استفاده کرده مثلاً همین مسئله تحریم مشروبات الکلی را در چند مرحله پیاده نموده است، نخست آن را به عنوان يك نوشیدنی نامطلوب و نقطه مقابل رزقا حسنا (نحل- ۶۷) سپس در صورتی که مستی آن در حال نماز باشد جلوگیری کرده (آیه فوق) و بعد منافع و مضار آن را با هم مقایسه نموده و غلبه زیانهای آن، بیان شده است (بقره- ۲۱۹) و در مرحله آخر نهی قاطع و صریح از آن نموده است (مائده- ۹۰).

اصولاً برای ریشه کن ساختن يك مفسده اجتماعی و اخلاقی که محیط به طور عمیق به آن آلوده شده است راهی بهتر از این روش نیست که افراد را تدریجاً آماده کنند و سپس حکم نهایی اعلام گردد، ضمناً باید توجه داشت، آیه فوق به هیچ وجه دلالت بر اجازه نوشیدن خمر ندارد بلکه تنها در باره مستی در حال نماز سخن گفته و در مورد غیر نماز سکوت اختیار کرده تا مرحله نهایی حکم فرارسد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۹۶)

لازمه مقبولیت و پذیرش عبادت، دوری از مستی و ناهشیاری است. نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد. با حذف گناهان فضای روح و روان انسان پاک و مصفا می‌گردد و اعتماد و آرامش به نفس باز می‌گردد. نماز مانع ابتلا به آلودگی و گناهان است و نیز به سبکی بار گناه می‌انجامد. «ان الحسنات یذهبن السیئات؛ نیکی‌ها، بدی‌ها و گناهان را می‌زدایند و از بین می‌برند.» (هود/۱۱۴) آیه فوق همانند قسمتی دیگر از آیات قرآن تاثیر اعمال نیک را در از میان بردن آثار سوء اعمال بد بیان می‌کند، در سوره نساء آیه ۳۱ می‌خوانیم **إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ:** "اگر از گناهان بزرگ دوری کنید گناهان کوچک شما را می‌پوشانیم."

و در آیه (۷ عنکبوت) می‌خوانیم **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ:** "کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دارند گناهان آنان را می‌پوشانیم."

و به این ترتیب اثر خنثی کننده گناه را در طاعات و اعمال نیک تثبیت می‌کند.

از نظر روانی نیز شك نیست که هر گناه و عمل زشتی، يك نوع تاریکی در روح و روان انسان ایجاد می‌کند که اگر ادامه یابد اثرات آنها مترکم شده، به صورت وحشتناکی انسان را مسخ می‌کند.

ولی کار نیک که از انگیزه الهی سر چشمه گرفته به روح آدمی لطافتی می بخشد که آثار گناه را می تواند از آن بشوید و آن تیرگیها را به روشنایی مبدل سازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۲۶۷)

از دیدگاه رشید رضا وی نتیجه عبادت را دریافت ایمان دانسته و می گوید ایمان صحیح نوری است که با تابیدن در قلب صاحبش او را از شر تاریکی ها نجات داده و راهی برای او می گشاید کعبه سمت حق رهنمون می سازد تا دچار باطل نشود و ایمان صحیح همچون نگهبان و بازدارنده برای صاحبش در خطرات سقوط در هلاکت و ظلمت ها است و عاملی بازدارنده از غوطه ور شدن انسان در خیال های باطل و گمراه کنند قلمداده می شود (رشید رضا، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۲۹۰)

از دیدگاه آیت الله مکارم جای تردید نیست که هر گاه نماز با شرائطش انجام شود، انسان را در عالمی از معنویت و روحانیت فرو می برد که پیوندهای ایمانی او را با خدا چنان محکم می سازد که آلودگیها و آثار گناه را از دل و جان او شستشو می دهد. نماز انسان را در برابر گناه بیمه می کند و نیز نماز زنگار گناه را از آئینه دل می زداید. نماز جوانه های ملکات عالی انسانی را در اعماق جان بشر می رویاند، نماز اراده را قوی و قلب را پاک و روح را تطهیر می کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۹، ص ۲۶۹)

از منظر تفسیر المنار در این آیه شریفه خصوص اقامه نماز از این جهت مورد تاکید قرار گرفته است که رأس عبادات به شمار می رود و رشد ایمان و تغذیه آن به وسیله نماز امکان پذیر است و این آیه بیانگر این تعلیل و بیان حکمت و فائده نماز است و اینکه اعمال حسنه از جمله عبادات و تزکیه نفس و اصلاح نفس باعث محو شدن تاثیر اعمال سیئه می گردد. (رشید رضا، ۱۴۲۰، ج ۱۲، ص ۱۸۷)

با توجه به تفاسیر فوق اگر بتوانیم عبادت را در جامعه گسترش دهیم، می توانیم مانع بروز بزهکاری گردیم یا آن ها را به میزان قابل توجه کاهش دهیم. علم ارتکاب جرم در یک خانواده، باعث آرامش روانی در محیط خانواده می شود.

فردی که با اعتقاد کامل به عبادت و رواز و نیاز با معبود می پردازد، در نهایت به یک پارچگی خویشان دست می یابد و انسان در هنگام برخورد با این فرد او را آدمی هماهنگ و با نظم می یابد. اگر اعضای خانواده با یکدیگر در مراسم عبادی شرکت نمایند، همه به وحدت درونی دست می یابد و در بیرون با یکدیگر همگونی و هماهنگی خواهند داشت، این امر به تقویت خود کنترلی



افراد کمک می کند تا در برابر آسیب های درونی پایدار و در مقابله با ناملایمات روحی و روانی و ناهنجاری ها و جرائم مقاومت از خود نشان دهند.

«عبادت موجبات افزایش اعتماد به نفس را فراهم می کند زیرا وقتی آدمی با خدا سخن می گوید از او استعانت می جوید «ایاک نعبد وایاک نستعین» توان بیشتری را در خود احساس می کند که ناشی از اتکای به خدای تعالی است و داشتن چنین اتکایی باعث افزایش اعتماد به نفس در فرد می گردد او در این حال خود را به سان قطره ای می داند که با دریا پیوند خورده است.» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۴۴)

در محیط خانواده ای که اعضای آن عبادت را سرلوحه خویش قرار می دهند همگی از اعتماد به نفس خوبی برخوردارند، فضای آرامی حاکم است. آنان هم چون ظروف مرتبیطی هستند که به هنگام برداشتن آب از یکی از ظرف ها، ظرف های دیگر جای خالی آن را پر می کنند. در چنین محیطی، زمینه افزایش اعتماد به نفس وجود دارد و عبادت در این راه نقش مدد رسانی را برعهده دارد. انسانی که به خود شکوفایی رسیده از آرامش بیشتری برخوردار است.

«کارل راجرز که بنیان گذار روش مشاوره غیر مستقیم است اظهار می دارد؛ دانش آموزی که از عزت نفس بالاتری برخوردار است کمتر تن به تقلب می دهد و نظریه تعهد مکبر حکایت از آن دارد که اگر شخص احساس بی آبرویی کند، راحت تر تن به ارتکاب جرم می سپارد.» (فرانکل، ۱۳۹۳، ص ۴۷)

ویکتور فرانکل که خود بنیان گذار مکتب سوم درمانی دین و مکتب معنا درمانی است در کتاب خود که آن را «انسان در جستجوی معنا» نامیده است؛ بر این باور است که انسان آن گاه از سلامت روانی برخوردار است و آن گاه آرامش را لمس می کند که در زندگانی خود احساس معنا کند و او در وهله نخست عشق را عامل ایجاد چنین معنایی می داند که عشق به یک آرمان و عشق به دیگری مورد نظر است...

فرانکل در جای دیگر می گوید: آنان که دارای زندگی معنی دار بودند، افراد مقاومی بودند که خود را تسلیم مرگ و خودکشی نمی کردند یعنی عشق به زندگی آنان، معنا داده بود و او رمز پایداری آنان را در عاشق بودن آن ها می داند. (همان، صص ۴۹-۵۰)

لذا این عبادت و نیایش با خداوند موجب کاهش استرس ها می گردد و فشارهای روحی را کم می کند زیرا آن گاه که آدمی در برابر خدای متعال می ایستد و دعا و نماز مشغول می گردد، امید به لطف و رحمت در دل وی موج می زد و وقتی اشک ندامت از چشمان وی جاری می شود. و دردهای خود را با خدا باز می گوید؛ انسان خود را سبک تر از قبل می یابد و به پالایش روانی می پردازد. پس برای مثال در نماز انکار و نفی خدایان زر و زور و تزویر وجود دارد که بیان آن ها و بازگو نمودن آن کلمات ارزشمند که آدمی بر نفس خود تلقین می کند به او آرامش می بخشد و بهداشت روانی وی را تامین می کند و افراد فاقد استرس های روانی در خانواده و در برخورد با دیگران فشار و دشواری کمتری را متوجه آن ها می سازند و خانواده نیز از فضایی آرام و کم استرس برخوردار می گردد و این عاملی اساسی در ایجاد خود کنترلی در فرد است.

۱-۲. مدارا و تقویت اهتمام بر امور دیگران

توجه به دیگران و کمک در رفع مشکلات آنان از موضوعاتی است که در آموزه های دینی بر آن تاکید شده است: «انما المومنون اخوة فاصلحوا بین اخویکم و اتقوالله لعلکم ترحمون؛ در حقیقت مومنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا بترسید، امید که مورد رحمت قرار بگیرید.» (حجرات/۱۰)

صاحب تفسیر نمونه می نویسد: «دیگران وقتی می خواهند زیاد اظهار علاقه به هم مسلکان خود کنند از آنان به عنوان " رفیق " یاد می کنند، ولی اسلام سطح پیوند علائق دوستی مسلمین را به قدری بالا برده که به صورت نزدیکترین پیوند دو انسان با یکدیگر آنهم پیوندی بر اساس مساوات و برابری، مطرح می کند و آن علاقه " دو برادر " نسبت به یکدیگر است. روی این اصل مهم اسلامی مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله و دارای هر زبان و هر سن و سال، با یکدیگر احساس عمیق برادری می کنند، هر چند یکی در شرق جهان زندگی کند و دیگری در غرب. در مراسم حج که مسلمین از همه نقاط جهان در آن کانون توحید جمع می شوند این علاقه و پیوند و همبستگی نزدیک کاملاً محسوس است و صحنه ای است از تحقق عینی این قانون مهم اسلامی، به تعبیر دیگر اسلام تمام مسلمانها را به حکم يك خانواده می داند و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب کرده، نه تنها در لفظ و در شعار که در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند.» (مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۱، ج ۲۲، ص ۱۷۲)



امام صادق (ع) به قول از پیامبر اسلام (ص) می فرمایند: «کسی که شب را به صبح برساند و به امور مسلمانان توجهی نداشته باشد مسلمان نیست و کسی که فریاد یاری خواهی مسلمانی را بشنود و به یاری او نشتابد، مسلمان نیست.» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۶۳)

در روایات دیگر از امام صادق (ع) آمده است «مومنان برادر و فرزندان یک پدر و مادر هستند، هر گاه یکی از آنها دچار درد و رنجی شود دیگران نیز به خواب نمی روند.» (همان، ص ۱۶۵) «مومنان برادر یکدیگر و همانند اعضای یک بدن هستند. اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر اعضا نیز آن را حس می کنند و روح آنان نیز یکی است و ارتباط روح مومن با خدا سخت تر از ارتباط شعاع خورشید با خود خورشید است.» (همان، ص ۱۶۶)

از پیامبر نیز روایت شده است: «مردم عیال خداوند هستند و محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که برای مردم سودمند تر باشد و خانواده ای را خشنود می کند.» (همان، ص ۱۶۳)

همانا خداوند را بندگانی است که آنان را به نعمت ویژه سازد، برای منافع بندگان پس آن نعمت ها را از ایشان بستاند و دیگران را بدان مخصوص گرداند. (شرفاوی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۸۸)

«روا کردن حوایج مردم نه تنها یکی از اعمال نیک است که مردم بتوانند از انجام آن خودداری ورزد بلکه تکلیفی واجب است و باید حتما ادا گردد زیرا ضرورت بقای جامعه و تمدن در گرو این امر است. چون قوام دین و دنیا به چهار چیز وابسته است: دانایی که دانش خود را به کار برد و نادانی که از آموختن سر باز نزند و بخشنده ای که در بخشش خود بخل نرزد و درویشی که آخرت خویش را به دنیای خود نفروشد. پس اگر دانشمند دانش خود را تباه سازد، نادان به آموختن نپردازد و اگر توانگر در بخشش خویش بخل ورزد، درویش آخرت خویش به دنیا ببازد.» (خوارزمی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۶)

در حقیقت فریادرسی دادخواهان و تلاش در انجام کارهای خیر و رفع ستم از ستمدیدگان و روا کردن نیازهای مردم از جمله صفات جوان مردان و حق جویان و نیکی کرداران است و در پیشگاه خدا پاداشی بزرگ دراد و ترک آنها مجازاتی سخت به دنبال می آورد که از جمله «محبوب ترین بندگان به درگاه الهی است که کار خیری را وانگذاشته جز آن که آن را قصد کرده ودر جایی گمان فایدهتی نبرده جز که به رسیدن بدان همت گماشته است.» (دشتی، ۱۳۸۰، خطبه ۸۲) و «در دنیا جز برای دو کس خیری نیست، یکی آن که گناهی مرتکب شده و آن را با توبه جبران کند و دیگر آن که در راه انجام نیکی ها شتاب کند.» (ابن عبد ربه، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۷۴) پس «آن که در راه

برآوردن نیاز برادرش قدم می زند چونان کسی است که میان صفا و مروه سعی می کند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۶، ص ۳۶۷) و «هر که یک نیاز برادر مومنش را برآورده سازد، خداوند در روز رستاخیز هزار نیاز او را برآورده کند.» (همان، ج ۷۴، ص ۲۲۲) هر که به فریاد برادر حسرت زده خویش، در کارش، برسد و گرفتاری او را رفع کند و در رساندن به نیازش مدد رساند خدا به پاس این کرده ی او از هفتاد و دو رحمت الهی برایش بنویسد که یکی از آنها را برایش زود در دسترس قرار می دهد تا بدان زندگی خویش را سازمان بخشد و هفتاد و یکی دیگر را برای ترس ها و وحشت های روز رستاخیز مقدر می دارد. (نراقی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۳۳)

«هرکس یکی گرفتاری مومن را رفع کند، خداوند گرفتاری آخرت را از او مرتفع سازد و او از قبرش برون آید در حالی که سپید قلب (بی گناه) است.» (همان، ج ۲، ص ۲۴۳) و «آن که در راه نیاز برادر مومنش بکوشد گویی خدا را نه هزار سال عبادت کرده و این همه مدت را روزه داشته و شب ها را با عبادت گذرانده است.» (ری شهری، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۵۳۷) اما اگر شخصی از این امر امتناع ورزد «در حالی که از جانب خود و یا از سوی دیگری بر انجام آن توانست، خداوند در روز رستاخیز او را محشور کند در حالی که دستهایش بر گردنش بسته است و به همین حال می ماند تا خداوند از محاسبه خلق فارغ یابد و آنگاه به حساب او پردازد.» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۴، ص ۲۸۷) و چون «مومنی نیست که با وجود داشتن توانایی برای یاری برادرش او را بی یاور گذارد مگر آنکه خداوند در دنیا و آخرت خوار و بی یارش گذارد.» (همان، ج ۷۴، ص ۲۸۷) و هر مرد مسلمانی که مرد مسلمانی برای حاجتی نزد او آمد او می توانست نیازش را برطرف سازد و اما چنین نکرد، خداوند در روز قیامت به سختی او را سرزنش می کند و به او می فرماید: «برادر تو برای نیازی پیش تو آمد و من برآورده ساختن نیازش را در دست تو قرار داده بودم اما تو از روا ساختن نیازش خودداری ورزیدی و گرفتن پاداش این کار کناره گرفتی؟ به عزت خودم سوگند، به تو در روا ساختن نیاز نمی نگرم چه معذب بوده باشی و چه آمرزیده.» (همان، ج ۷۵، ص ۱۷۴)

از طرفی بر انسان است که خود شخصاً به کار خیر و دادرسی دادخواهان و روا ساختن نیاز نیازمندان اقدام کند و این وظیفه در مورد یک زمام دار از ویژگی خاصی برخوردار می شود. او نباید تنها به کار کارمندان و کارگزارانش اکتفا ورزد. چون هر گاه انسان در جایگاه بزرگی قرار می گیرد، مواضع و دیدگاه هایش سرمش دیگران قلمداد می شود. بدین ترتیب او از یک سو به عنوان یک فرد به پاداش می رسد و از سوی دیگر به عنوان یک مسوول به نمونه ای در کار خیر مبدل می گردد.



رهبر و زمام دار مسلمانان باید این گونه باشد... علی (ع) در جنگ و صلح عادت کرده بود دست کسی را که روبرویش یا کمی آن طرف تر بر زمین می افتد بگیرد و بر او هجوم نبرد. شعار او این بود: نیکی کن چنان که دوست داری مردم به تو نیکی کنند و هر که گمان خیر برد، گمان او راست در آورد؛ اما دادرسی ستمدیدگان و مدارا با ضعفا و دلیر مردی و مهرورزی در حق مهرجویان، تمام این خصایص، فتوت علی (ع) و اخلاق آن بزرگوار بود. او چنان این صفات را در خود جمع کرده بود و این صفات چنان با وی درهم آمیخته بود که آنها را باید خوی و خصلت آن حضرت و نه خصلت پذیری و سرشت او و نه به خود بستن این صفات قلمداد کرد. (مدرسی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷)

بر اساس دیدگاه اسلام هر مسلمانی همواره باید دغدغه های سایر انسان ها را داشته و نسبت به هدایت و ارشاد آنان احساس وظیفه نماید. این توصیه مخصوص هم کیشان و هم مسلکان نیست. هر جایی که ظلمی را مشاهده کرد باید در حد توان خود در برابر آن بایستد و هرگز کوتاه نیاید. از سفارش های امیرمؤمنان به فرزندان در ساعات آخر عمر شریفشان این است که «کونا للظالم خصم و للمظلوم عوناً؛ با ستمکار در پیکار باشید و ستمدیده را یار» مسلمانان هرگز نباید در برابر زشتی ها و حق کشی ها، هر چند نسبت به غیر مسلمانان باشد، آرام نشینند.

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: «الخلق کلهم عیال فاحب الخلق الی الله احسن الناس الی عیاله: مردمان همگی، عیال خداوند هستند پس محبوب ترین افراد در نزد خداوند نیکوترینشان نسبت به عیال خداوند است.» (یعقوبی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۰۵)

در سخن دیگر اوج خرد و خرد ورزی را پس از دین داری، «مهربانی و محبت و خیرخواهی نسبت به همه انسان ها، اعم از خوب و بد معرفی کرده» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۶۷) این جملات نشانگر اهمیت خدمت به مردم در آموزه های دینی است.

اهتمام به امور خلق به طور عام، تلاش به امور مسلمانان و دغدغه خطر جامعه اسلامی را داشتن همواره مورد تاکید دین و بزرگان بوده «برادری که خود را با برادرش برابر نیابد و در غم و شادی او شریک نباشند و در رتق و فتق امور او نکوشد و صرفاً در بند مسایل خویشتن باشد، هر چند از نظر نسبی برادر است اما در حقیقت بیگانه ای بیش نیست. به همین ترتیب، مسلمانی که تنها در بند منافع ومصالح خویش بوده و دغدغه سایر مسلمانان را نداشته باشد، در حقیقت تفاوتی با نامسلمان ندارد.» (اسفندیاری، ۱۳۸۸، صص ۹۸-۹۹)

برای نمونه عباداتی مانند روزه توجه به وضع فقرا می دهد و نماز در اذکار آن، دعا برای دیگران است. لذا یک مسلمان از این طریق به امور دیگران اهتمام می ورزد و از گناه و جرم دوری می کند. «رفع نیازاز مسلمان و برآورده ساختن حاجت او، نه تنها اجر و پاداشی بالاتر و برتر از بیست حج که هر کدام همراه با انفاق هزاران دینار در راه خدا باشد دارد.» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۴۵) بلکه «از جمله محبوب ترین کارها در نزد خداوند است.» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، صص ۶۳-۶۵)

۳-۱. ایجاد حالت خوف و حزن الهی

خوف و حزن همانند طمع و بسیاری از عناوین دیگر دو گونه است، مذموم و ممدوح، مثلا طمع ذاتا بد یا خوب نیست و بستگی به متعلق آن دارد، اگر طمع به لهو و لعب و نیرنگ و فریب یعنی به دنیای که متاع غروراست تعلق گیرد، مذموم است که از آن به عنوان «بخل» و «شح» یاد شده و قرآن می فرماید: «ومن یوق شح نفسه فأولئک هم المفلحون» کسی که از دست بخل و شح برهد، به مقصود می رسد و رستگار می شود، (حشر/۹) ولی اگر طمع به مغفرت الهی قرب خداوند و «لقاء الله» تعلق گیرد، خوب است و قرآن کریم از آن به نیکی یاد می کند «یدعون ربهم خوفا وطمعا» (مکرم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۷، ص ۳۷۶) پروردگارشان را با بیم و امید می خوانند. و مراد این است که از بستر دوری می کنند، در حالی که مشغول به دعای پروردگارشانند، اما نه تنها از خوف تا نا امیدی از رحمت خدا بر آنان مسلط شود و نه تنها به طمع رحمت تا از غضب و مکر خدایمن باشند، بلکه هم از ترس و هم به طمع، او را می خوانند و در دعای خود ادب عبودیت را بیشتر رعایت می کنند تا درخواست آن حوائجی که هدایت برای آدمی پدید می آورد و این تجافی از بسترو دعا، بانوافل شبانه و نماز شب، منطبق است، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۳۹۵) اندوه و ترس هم ذاتا خوب یا بد نیست بلکه به لحاظ متعلق گاهی خوب و گاهی بد است، پس اگر غم و اندوه برای از دست دادن فضیلتی عقلی و کمالی باشد، فضیلت است، زیرا همین غم و اندوه زمینه را برای تدارک فضیلت از دست رفته فراهم می کند، بعض از غم هازمینه ها را از بین می برد و مانع نفوذ آفتاب است، مثلا واژه غم از «غمام» ابر گرفته شده ابر چون جلو آفتاب و نور را می گیرد و فضای بازرامی بندد به آن «غمام» می گویند، اندوه نیز اگر در صحنه دل پیداشود جلو نور علم و اندیشه را می گیرد، فضا را می بندد و انسان احساس می کند در مدار بسته زندگی می کند از این



رومغموم است، این غم از آن جهت که جلو آفتاب و حرارت را می گیرد مضموم است، ولی گاهی ابری زمینه برای تبدیل به باران و تلطیف هوا و سرسبزی مزرع و مرتع پدید می آورد برای تابش بهتر نورو تلطیف هوا چنین ابری مطلوب و امیدبخش است، اندوه از این که چرا فلان مقام به دست نیامد ابر خشکی است که هیچ سودی ندارد و فقط جلو آفتاب نور و حرارت را می گیرد، در مقابل عده ای وقتی حق را می شناسد از گذشته متأثر و اندوهگین هستند که چرا تاکنون فیضی نصیبشان نشده اشک از چشمانشان سرازیر می شود، اینها از اولیای الهی است که از بند شیطان رهای یافته اند، چون «إنما ذلکم الشیطان یخوف اولیاء» شیطان دوستان خود را می ترسانند. (آل عمران/ ۱۷۵)

ترس از خداوند که خوف ممدوح است ویژگی های فراوانی دارد از جمله اینکه ترسی است امید آفرین اگر ما این پیام را در درون خود احساس کردیم که هر گونه قهری از خدا در سایه مهر و تنظیم و تدوین می گردد، معلوم می شود خداوند متعال همواره به یاد ما بوده؛ اگر ما بیاد خدا باشیم. گرچه ذات اقدس خداوند تعبیرهای مشفقانه و تشویق آمیز فراوانی در قرآن کریم نسبت به ما دارد و می فرماید: «فاذکرونی اذکرکم» (بقره/ ۱۵۲) به یاد خدا باشید تا خدا به یاد شما باشد و یا در جای دیگر فرموده است، «أذکروا نعمتی الّتی انعمت علیکم» (بقره/ ۴۰) نعمت مرا که به شما ارزانی داشتیم به یاد آرید.

خداوند متعال در این آیه علت عتاب ملت یهود را آغاز کرده و این عتاب در طی صد و چند آیه ادامه دارد و در آن نعمت های را که خداوند بر یهودافاضه فرمود: و کرامت های را که نسبت به آنان مبذول داشت و عکس العمل که یهود به صورت کفران و عصیان و عهدشکنی و تمرد و لجاجت از خود نشان داد، بر می شمارد و سرتاسر این آیات پر است از عنایات ربانی و الطاف الهی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۲۷) خداوند که قادر است همه نعمت های را که در این دنیا به انسان داده از وی بازستاند و او را در آخرت نیز از همه نعمت های خود محروم سازد، توجه به این ویژگی بیم فراوانی را در انسان پدید می آورد، از آن سو، خداوند قادر است بر نعمت های خود در دنیا، بیفزاید و در آخرت نیز ادمی را از نعمت های بی ش ماری و جاودان خود برخوردار سازد، توجه این ویژگی امید وصف ناپذیری را در انسان پدید می آورد، بیم از محرومیت های احتمالی آینده و امید به آینده بهتر، ریشه در فطرت آدمی دارند، و دو عامل نیرومند برای وادار ساختن انسان به تلاش و خودسازی به شمار می روند، از این رو قرآن کریم به لحاظ نقش تربیتی آنها در موارد فراوانی بر آنها تأکید ورزیده است، از بررسی آیات مربوط به بیم دانسته می شود که بیم و خشیت می تواند در افراد

جامعه تحولی شگرف ایجاد کند، بگونه ای که افراد جامعه بهترین خلق خداگردند و خداوند از آنها خشنود و آنها از خدا خشنود باشند چنانچه قرآن کریم در این زمینه فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (بینه/ ۷ و ۸) کسانی که ایمان آورده اعمال صالح کردند ایشان بهترین خلق خداوند، جز ایشان نزد پروردگارش عبارت است از بهشت های عدن که نهرها در زیر درختانش روان است و ایشان تا ابد در آنند در حالی که خدا از ایشان راضی و ایشان هم از خدا راضی باشند این سرنوشت کسی است که از پروردگارش بترسد.

در مورد مؤمنان سخن از انجام اعمال صالح نیز به میان آمده که در حقیقت میوه درخت ایمان است، اشاره به اینکه ادعای ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه اعمال انسان باید گواه بر ایمان او باشد، ولی کفر به تنهایی هر چند توأم با عمل ناصالحی نیز نباشد مایه سقوط و بدبختی است، گذشته از این کفر معمولاً مبدأ انواع گناهان و جنایات و اعمال خلاف نیز می شود.

تعبیر "أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ" به خوبی نشان می دهد که انسانهای مؤمن و صالح العمل حتی از فرشتگان برتر و بالاترند، چرا که آیه مطلق است و هیچ استثنایی در آن نیست، آیات دیگر قرآن نیز گواه بر این معنی می باشد، مانند آیات سجود فرشتگان بر آدم و آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء- ۷۰).

به هر حال در این آیه نخست از پاداش مادی و جسمانی آنها که باغهای پر نعمت بهشتی است سخن به میان آمده و بعد از پاداش معنوی و روحانی آنان که هم خدا از آنان راضی است و هم آنان از خدا راضی.

آنها از خدا راضی اند چرا که هر چه خواسته اند به آنها داده و خدا از آنها راضی است چرا که هر چه او خواسته انجام داده اند و اگر هم لغزشی بوده به لطفش صرف نظر کرده، چه لذتی از این برتر و بالاتر که احساس کند مورد قبول و رضای معبود و محبوبش واقع شده و به لقای او واصل گردیده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲۷، ص ۲۰۹)

«ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» این جمله علامت بهشتیان و آنان که به سعادت آخرت می رسند را بیان می کند و می فرماید: علامت خیر البریه و آنهاست که به جنات عدن می رسند این است که از پروردگارش ترس دارند کسانی که در نهم از پروردگارش می ترسند آنان را آمرزش و پاداشی



بزرگ خواهد بود و قرآن کریم در این رابطه فرموده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» (ملک / ۱۲) به تحقیق کسانی که از پروردگار خود با اینکه اوراندریده اند حساب می برند و نگرانی دارند آمرزش واجری کبیر دارند.

این احتمال در تفسیر آیه داده شده است که اشاره به ترس از خداوند در مورد معاصی پنهانی باشد، چرا که اگر انسان معصیت پنهان نکند به طریق اولی معصیت آشکار نخواهد کرد و یا این تعبیر اشاره به مقام خلوص نیت در پرهیز از گناهان و انجام اوامر الهی می باشد، زیرا عمل پنهانی از ریا دورتر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲۴، ص ۳۳۳)

۲. تأثیر عبادت در پابندی افراد جامعه به قوانین اجتماعی

۱-۲. حاکم سازی روح جرم ستیزی در محیط

انسان در طول زندگی خود در محیط های مختلفی قرار می گیرد. او با این محیط ها انس می گیرد و از آن تاثیر می پذیرد. حال اگر محیط ناسالم باشد و فرد از آن تاثیر بگیرد به راه نادرست کشیده می شود اما اگر محیط معنوی و سالم باشد آن فرد فرصت بزه پیدا نمی کند.

پرهیز و دوری جستن از محیط های ناسالم خود گامی مهم در جهت حفظ دین است؛ زیرا فراهم بودن محیط گناه باعث میل و رغبت باطنی به سمت گناه می شود. حتی اسلام برای رهایی از محیط فاسد به مهاجرت امر فرموده است؛ اما کسانی که امکان مهاجرت ندارند، اگر دین و ایمان خود را در محیط ناسالم حفظ کنند، ارزش زیادتری دارد.

تقویت باورهای دینی باعث ایجاد محیط اجتماعی سالم می گردد. رفتارهای مردم برپایه فطرت سالم شکل می گیرد و با گسترش فضای سالم و محیطی معنوی باعث کاهش تخلف و جرم می گردد. در حقیقت ایجاد روحیه مذهبی، تقویت اعتماد به نفس و توجه به کرامت انسانی، برخورد عاطفی و با محبت، از روش هایی است که موجب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به مدیریت امنیت اجتماعی می گردد و هم سبب کاهش بزه در جامعه می شود.

رشید رضا معتقد است که بسیاری از مردم تنها ادعای دین داری دارند ولی به وظایف دینی و عبادات عمل نمی کنند و می بینیم که بسیاری از مسلمین لباس دین را پوشیده اند و مرتکب معاصی می شوند (رشید رضا، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۳۰)

می توان از عبارت ایشان نتیجه گرفت که علت ارتکاب معاصی از جمله جرم در جامعه عمل نمودن به عبادات و وظایف دینی فرد مسلمان می باشد.

نمونه یک محیط سالم و معنوی، محیطی محجبه است که عفاف و پاک دامنی در آن وجود دارد. در آیه ۵۹ سوره احزاب نیز حفظ حجاب مورد تاکید قرار گرفته است: «یا ایها النبی قل لأزواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک اذنی ان یعرفن فلا یؤذین و کان اللہ غفوراً رحیماً» ای پیامبر، به همسران و دختران و زنان مومنان بگو جلاباب ها (روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند، این کار برای این که (از کنیزکان و آلودگان) شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است و (اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آن ها سرزده) خداوند همواره غفور و رحیم است.

مفاسد اجتماعی چون غالباً تک علتی نیست باید مبارزه با آن را از همه جوانب شروع کرد و جالب اینکه در آیات فوق برای جلوگیری از مزاحمت های افراد هرزه، نخست به زنان با ایمان دستور می دهد که بهانه ای به دست آنها ندهند، سپس مزاحمین را با شدیدترین تهدید بر سر جای خود می نشاند. و این نیز برنامه ای است برای همیشه و همگان، هم دوست را باید اصلاح کرد و هم دشمن را با قدرت بر سر جای خود نشانید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۷، ص ۴۳۲)

این آیه که فرمان حجاب را می دهد با تهدید مطرح نشده بلکه فلسفه حجاب را تبیین می کند زنان و دختران اگر بخواهند از متلک ها، تهمت ها، تهاجم ها و تهدید های افراد آلوده و هرزه در امان باشند باید خود را بپوشانند بی حجابی آفات زیر را می تواند داشته باشد:

۱- رونق گرفتن چشم چرانی و هوس بازی ۲- توسعه ی فساد و فحشا ۳- سوء قصد و تجاوز به عنف ۴- بارداری نامشروع و سقط جنین ۵- پیدایش امراض روانی و مقاربتی ۶- خودکشی و فرار از خانه در اثر آبروریزی ۷- بی مهری مردان چشم چران نسبت به همسران خود ۸- بالا رفتن آمار طلاق و تضعیف روابط خانوادگی ۹- رقابت در تجملات ۱۰- ایجاد دلهره برای خانواده های پاکدامن (رشادتی، ۱۳۹۰، ص ۳۳۶)

«حفظ حجاب و ترک جلوه گری ثمرات بسیاری دارد که برخی از آن ها عبارت است از آرامش روحی، استحکام پیوند خانواده، حفظ نسل، جلوگیری از سوء قصد و تجاوز، پیش گیری از امراض مقاربتی و روانی، پایین آمدن آمار طلاق، خودکشی، فرزندان نامشروع و سقط جنین، از بین رفتن

رقابت های منفی، حفظ شخصیت و انسانیت زن و نجات او از چشم ها و دل های هوس بازی که امروز دنیای غرب و شرق را در لجن فرو برده است.» (همان، ص ۳۳۶)

۲-۲. نجات افراد جامعه از غفلت

غفلت موجب گمراهی می گردد و لازم است که با آن مقابله نمود یکی از بهترین راههای ترک و دوری از غفلت عبادت و یاد خداوند می باشد از راهکارهای رفع آن می توان به تلاوت آیات قرآن اشاره نمود به دین جهت رشید رضا از قول استاد خویش بیان می کند که تلاوت و یا شنیدن قرآن حدقل برای یک بار بر هر شخص مسلمان واجب است که به سبب آن هنگام شنیدن شبهات درباره دین دچار گمراهی نشود. (رشید رضا، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۵۰)

قرآن کریم فرموده است: «یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً کثیراً و سبّحوه بکرةً و اصیلاً» (احزاب/ ۴۱) ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را بسیار یاد کنید؛ و صبح و شام او را تسبیح نمایید.

از آن جا که عوامل غفلت در زندگی مادی بسیار فراوان و تیرهای وسوسه شیاطین از هر سو به طرف انسان پرتاب می شود برای مبارزه ی با آنان راهی جز «ذکر کثیر» نیست، ذکر کثیر به معنی واقعی کلمه یعنی توجه با تمام وجود به خداوند متعال، نه تنها با زبان و لقلقه لسان، ذکر کثیری که در همه ی اعمال انسان پرتوافکن باشد، و نور روشنای بر آن ها بپاشد، به این ترتیب قرآن کریم همه ی مؤمنان را در این موظف می کند که در همه حال به یاد خدا باشید، به هنگام عبادت یاد او کنید و حضور قلب و اخلاص داشته باشید، به هنگام حضور صحنه های گناه یاد او کنید و چشم ببوشید و یا اگر لغزش روی داد، توبه کنید و به راه حق باز گردید به هنگام نعمت یاد او کنید و شکر گزار باشید و به هنگام بلا و مصیبت یاد او کنید و صبور و شکیبیا باشید، خلاصه یاد او را در هر صحنه از صحنه های زندگی فراموش ننمائید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۷، ص ۳۵۱)

از دیدگاه صاحب المنار عقل انسان به تنهایی مسیر هدایت را نمی تواند طی نماید زیرا امکان دارد دچار ضلالت شود (رشید رضا، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۶۳) به همین جهت هدایت دینی را مددی می داند که خداوند به وسیله عبادت و ایمان برای تکمیل هدایت بشر به و دوری وی از غفلت از یاد خدا به وی عطا نموده است. (رشید رضا، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۸۸)

۳-۲. پرهیز از کارهای بیهوده

از جمله ویژگی های رفتاری جامعه اخلاقی مطلوب، اعراض آن از کارهای لغو و پرهیز آنها از انجام اعمال بیهوده است، توجه به این مشخصه در قرآن کریم بسیار مورد تأکید قرار گرفته است تا آنجا که تصریح شده این عمل دوری از لغو و پرهیز از اعمال بیهوده مخصوص مسلمانان نیست بلکه خوبان افراد با ایمان از اهل کتاب نیز از آن گریزانند «وَ إِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ» (قصص ۵۵/ دوری از لغو، از نشانه های اهل ذکر و اهل ایمان است، خداوند متعال در قرآن کریم در این زمینه فرموده است: «وَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ.» (مؤمنون / ۴) صفتی را که آیه برای مؤمنان بیان می کند این است که: " آنها از هر گونه لغو و بیهودگی رویگرداندند " در واقع تمام حرکات و خطوط زندگی آنان هدفی را دنبال می کند، هدفی مفید و سازنده چرا که لغو به معنی کارهای بی هدف و بدون نتیجه مفید است.

در حقیقت لغو همانگونه که بعضی از مفسران بزرگ گفته اند هر گفتار و عملی است که فایده قابل ملاحظه ای نداشته باشد و اگر می بینیم بعضی از مفسران آن را به باطل تفسیر کرده اند.

و بعضی به معنی همه معاصی.

و بعضی به معنی دروغ.

و بعضی به معنی دشنام یا مقابله دشنام به دشنام.

و بعضی به معنی غنا و لهو و لعب.

و بالأخره بعضی به معنی شرك، تفسیر کرده اند همه اینها مصداق های آن مفهوم جامع و کلی است. البته لغو تنها شامل سخنان و افعال بیهوده نمی شود بلکه افکار بیهوده و بی پایه ای که انسان را از یاد خدا غافل و از تفکر در آنچه مفید و سازنده است به خود مشغول می دارد همه در مفهوم لغو جمع است.

در واقع مؤمنان آن چنان ساخته شده اند که نه تنها به اندیشه های باطل و سخنان بی اساس و کارهای بیهوده دست نمی زنند، بلکه به تعبیر قرآن از آن " معرض " و رویگردانند. (مکارم شیرازی،

۱۳۸۱، ج ۱۴، ص ۱۹۶)

انسان مؤمن باید در تمام کارها و سخنان خود هدف صحیح داشته و از اعمال که عبث و بیهوده است گریزان باشد تا عبادات وی از جمله ادای نماز و پرداخت زکات شایسته و خداپسندانه انجام گیرد، زیرا لازمه نماز گزاردن خاشعانه و مورد قبول الهی و پرداخت زکات مالی جهت کسب

خشنودی الهی دوری از لغو و پرهیز از اعمال بیهوده است، (قرآنی، ۱۳۹۱، ج ۸، ص ۸۳-۸۴) علامه طباطبائی در تفسیر المیزان این خصیصه را از جمله خصوصیات انسان های مؤمن در جامعه اخلاقی مطلوب دانسته و توجه به آن را جهت حفظ آرمان های اخلاقی جامعه اسلامی و حرکت در مسیر مطلوب اخلاقی امری ضروری می شناسد ایشان فرمود: «لغو به مفهوم هر عمل و گفتاری است که مورد اعتنا نباشد و هیچ فایده ای که غرض عقلا بر آن تعلق گیرد نداشته باشد و بطور که گفته اند، شامل تمامی گناهان می شود»، (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵ ص ۳۳۸)

کارهای لغو در نظر دین آن اعمال مباحی باشد که صاحبش در دنیا و آخرت از آن سودی نبر دویی هدف و بیهوده باشد، خداوند در ستایش مؤمنین فرموده از لغو و اعمال بیهوده اعراض می نمایند و آنان نفس خود را بزرگتر از آن می دانند که به کارهای پست اشتغال ورزند، ایمان واقعی و وجود جامعه اخلاقی مطلوب هم همین اقتضار دارد، چون سرو کار ایمان و اخلاق مطلوب نیز باساحت عظمت و کبریای و منبع عزت و مجد است جامعه ای که متصف به ذکر خداوند و ایمان و اخلاق مطلوب است جز به زندگی سعادت مندایی و جاودانه اهتمام نمی نماید و اشتغال نمی ورزد مگر به کارهای که حق آنها را عظیم بدانند و آنچه را که فرومایگان و جاهلان بدان تعلق و اهتمام دارند عظیم نمی شمارد از همین جا روشن می شود که وصف جامعه مطلوب اخلاقی به اعراض از لغو و پرهیز از اعمال بیهوده کنایه است که از علوهت و کرامت نفوس اعضای مؤمن این جامعه اعمال لغو و بیهوده از نشانه های جاهلان است که این اجتماع انسانی از معاشرت و مجالست با جاهلان گریزانند (همان، ج ۱۶، ص ۷۷-۷۸)

۳. تاثیر نماز در پایبندی به قوانین اجتماعی

عبادات، نخستین بخش فقه اسلامی است که مربوط به برنامه هایی می باشد که انسان و محیطش را از آلودگی های جسمی و روحی و اخلاق پاک می گرداند و از پلیدی ها و صفات شیطانی دور و به خدا و صفات نیکوی الهی نزدیک می سازد و در اجتماع، روح پاک، تعاون، عدالت، اعتماد، صفا و صمیمیت و مهربانی و گذشت ایجاد می کند. نماز، روزه، حج، زکات، خمس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر از آن جمله هستند.

نماز یک نیاز حقیقی و ضروری انسان است و به میزان ضرورتی که برای فرد و جامعه دارد، دارای فواید و آثار نیک فردی و گروهی است و به همان نسبت که وجود آن منشا برکات و خیرات است،

فقدان آن زبان بار خواهد بود. نمازی که انسان آگاهانه و عاشقانه بگذارد، در انسان سازی و جامعه سازی نظیر ندارد؛ چنانچه آفات نماز یعنی «جهل» و «ضعف» و «سهر» و «ریا» را به «آگاهی»، «ایمان»، «توجه» و «اخلاص» بدل سازیم، نمازمان موثرتر خواهد بود.

بهره وری از نماز در مسایل بهداشتی، تربیتی، اعتقادی، فکری، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مدیریت، کار، دانش، فن، هنر و خلاصه در کلیه شئون زندگی باید وسیله رشد و تکامل روحانی باشد. نماز خلاصه و عصاره ی قرآن و باب ورودی برای گل گشت در گلستان آن و کوچ کردن از هیچ به همه چیز است. تازمانی نماز، سرآغاز قرآن پژوهی و شناخت جهان، انسان، سیستم حکومت و مدیریت مبتنی بر فطرت نباشد، امت اسلامی حرکت حیات بخش خود را به سوی عروج و تعالی آغاز نخواهد کرد.

نماز حقیقی موجب نجات کلی و همه جانبه است. انسان را از آفات و آسیب ها و فرجام های ناگوار رها می سازد و باب رحمت یزدان را به روی آدمی می گشاید. رهایی از تبلی فکری و ضعف عقلی در شناخت بزرگترین حقایق هستی، رهایی از تبلی جسمی و تن پروری و رهایی از بی انضباطی، حواس پرتی و بی توجهی، ناسپاسی، حق پوشی و حق کشی، کبر و خودبینی، عصبیت و نژادپرستی، نفاق و دورویی، غضب ها و شهوات، تملق و چاپلوسی، آرزوهای دور و دراز، خرافه و جهل، حرص و بخل، حسادت و خود آزاری، رذایل و خباث اخلاقی، عذاب های دنیوی و اخروی، بیماری های جسمی و روانی، گناه و تباهی، سختی جان کندن و ... است و تا زمانی که آدمی در راز و نیاز با خداست و در خانه خالق هستی را می کوبد، همه درها به روی وی باز خواهد شد و با اتصال به عالم ملکوت و نجات از زندان تن و حصار جهان مادی به اوج تعالی خواهد رسید.

بی توجهی به نماز موجب ترویج فرهنگ بیگانه خواهد شد. فرهنگ منحط غرب، فرهنگ فحشا و منکر است و نماز است که ما را از فحشا و منکر باز می دارد و مانع نفوذ و رواج فرهنگ فاسد می گردد. امت مسلمان و حکومت اسلامی باید برای مقابله با هجوم فرهنگی بیگانگان و حفظ سلامت اجتماع، وسیله ترویج نماز را فراهم کنند.



۱-۳. تلازم اقامه نماز با پیش گیری از جرم

نماز از آغاز آفرینش نشان از ریشه در عمق زندگی آدمیان داشته است و این موضوع در کنار توحید و خداشناسی به شکل های گوناگون مورد توجه بوده است.

در آیه ۴۰ سوره ابراهیم آمده است: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ» در این آیه حضرت ابراهیم این است که تقاضای توفیق برای برپا داشتن نماز را دارد که بزرگترین پیوند انسان با خدا است، نه تنها برای خودش که برای فرزندانش نیز همین تقاضا را می کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ص ۳۷۱)

حضرت ابراهیم (ع) از خداوند درخواست می نماید که لطف خود را شامل حال او نماید تا خودش و گروهی از ذریه اش به دین تمسک جویند و نماز را برپای دارند.

در سایر انبیای الهی نیز نماز خواندن ایشان مورد اشارت است؛ نماز خواندن یعقوب و اسحاق، نماز شعیب، نماز موسی، نماز زکریا، نماز عیسی، نماز یونس، نماز حضرت مریم (ع) از این جمله است.

برپا داشتن نماز تنها اذکار و اوراد لفظی نیست بلکه توجه قلبی و حضور دل در پیشگاه خداوندی و تاثیر روحی و معنوی نماز در وجود انسان اهمیت دارد. لذا منظور از اقامه نماز توسعه فرهنگ نماز و اشاعه آن در جامعه است. نماز علاوه بر عبادت اثر مهمی در کاهش جرم و جنایت و آثار پیش گیرانه در بزهکاری دارد. نماز به طور یقین نقش مهمی در کاهش جرم در عوامل زیستی، روانی، اجتماعی و ... خواهد داشت. نماز در هر حال می تواند انسان را از خودخواهی، پریشانی، حرص و طمع و جهل و ... برهاند. نماز با ایجاد آرامش قلبی در کاهش اضطراب نقش اساسی دارد. نماز اگر آرام بخش باشد از نظر روحی و روانی عامل پرورش روح و روان انسان خواهد بود. در واقع ایمان به خدا و ذکر یاد او موجب آرامش دل و آسایش خاطر است.

بر اساس دیدگاه قرآن؛ کسانی که حقیقت نماز را دریابند و آن را در زندگی خود اقامه نمایند، در می یابند و آن را در زندگی خود اقامه نمایند، در می یابند که پیوستگی دایم و لا ینقطع با خدا انسان را به کمال می رساند و در این جهان در هر ساعت و لحظه به فرمان او خواهد بود. «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ» (معارف/۲۲-۲۳)

در آیه به ذکر اوصاف انسانهای شایسته پرداخته، می گوید: همان نمازگزارانی که نمازهای خود را تداوم می بخشند.

این نخستین ویژگی آنهاست که ارتباط مستمر با درگاه پروردگار متعال دارند و این ارتباط از طریق نماز تأمین می‌گردد، نمازی که انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد، نمازی که روح و جان انسان را پرورش می‌دهد و او را همواره به یاد خدا می‌دارد و این توجه مستمر مانع از غفلت و غرور و فرو رفتن در دریای شهوات و اسارت در چنگال شیطان و هوای نفس می‌شود. بدیهی است منظور از مداومت بر نماز این نیست که همیشه در حال نماز باشند، بلکه منظور این است در اوقات معین نماز را انجام می‌دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲۵، ص ۳۰)

پس از جمله وظایف الهی به پا داشتن فرایض پنجگانه است که لطفی از جانب پروردگار به منظور تعلیم و تربیت و انتظام امور زندگی است و سبب التزام به تقوا و خویشتر داری از گناهان می‌شود زیرا اقامه و التزام عملی همیشه به ادای فرایض یومیه که همان اشاعه فرهنگ نماز است به حسب طبع انسانی او را از تمایل به کارهای قبیح و زشت مانند اقدام به قتل نفس و شرک و سرقت و تصرف مال یتیم و هر هر عمل که در نظر مردم مبتذل و پست است باز می‌دارد زیرا مداومت به ادای فرایض مستلزم طهارت از خباثت و حدث و احتراز از غضب مکان و لباس هنگام ادای فریضه بوده و وقتی افراد جامعه گناه نکنند، اجتماع نیز از این مقوله اثر پذیری خواهد داشت. نماز نخستین عبادتی است که بر بندگان واجب شده است. خداوند متعال در آغاز سوره بقره در توصیف متقین می‌فرماید: «الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة (- بقره/۳)...»؛ همانان که به «غیب یعنی به وجود خدا، معاد و فرشتگان، ایمان دارند و نماز را بر پای می‌دارند و...»

پس از وجوب اعتقاد به مبدأ و معاد و وحی و نبوت اولین موضوع مطرح و مهم «نماز» است؛ که شامل صورت و روح است و صورت آن عبادت اعضاء می‌باشد و روح آن عبادت قلبی است که با آنچه پیش از آن نزد برخی وجود داشته تفاوت دارد زیرا نمازی که مورد پذیرش اسلام است و بر مسلمانان واجب می‌باشد نمازی است که متشکل از اقوال و افعال است که با تکبیر آغاز و با تسلیم خاتمه می‌یابد و به بهترین شکل بیانگر احساس نیاز و حاجت به معبود است و آگاهی نفس انسان به عظمت خداوند به گونه ای که اقامه کننده نماز و اتیان کننده آن به صورت شایسته اش که تصور معانی الفاظی است که بیان می‌کند و تفقه در آن که موجب عمل می‌گردد. (رشید رضا، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۲۷-۱۲۹)

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «أول ما مزمّن علی العباد الصلوة و آخر ما یبقی عند الموت الصلوة و اول ما یحاسب به العبد یوم القیامة الصلوة فمن اجاب فقد سهّل ما بعده و من لم یجب



فقد اشد ما بعده (ترمذی، ۱۴۱۹، ص، ۱۸۸)؛ نخستین پرستشی که بر بندگان واجب شد، نماز است. آخرین عملی که به هنگام مردن بماند، نماز است پس هر کس به خوبی جواب گوید و پاسخش را بپذیرند، در حسابرسی های پس از نمازش آسان گیرند و آن که پاسخ نیکود ندهد، در اعمال دیگرش به سختی حساب کشند.»

به هر حال نماز برقراری ارتباط با الله و بریدن از الهه هاست، نماز سکوی اعتلا و عروج انسان است، نماز معیار حق جویی، شکوفایی جوانه های وجود و پیمان تسلیم است. نماز، پیام مکتب، ستون دین و قله بالندگی است. نماز درس خاک طبعی، فروتنی و بریدن از خودخواهی هاست. نماز کلاس درس و کتاب هستی است. نماز صف آرای در کرانه هستی و دیدن نادیدنی هاست. نماز نیاز همیشه انسان به شکفتن است. نماز سکینه روح، آرامش خاطر و ظاهر و قار است. نماز کشش عاشقان، محبوب خاشعان و مهر معبود است. نماز، منشور سفیران حق، وفای عهد رشد یافتگان و پیام آمران به معروف، ناهیان از منکر و مصلحان زمین است. نماز، قربانی کردن هوی ها، زدودن زشتی ها، نفی انحصار طلبی ها، سد کژروی ها، عامل خویش داری ها و رهبر نیکی ها و زیبایی هاست. نماز صیقل وجود و آینه حق است. نماز ترسیم کننده طریق فلاح و نقطه اوج صیروت انسان است. نماز بانگ برپایی تنظیم ارزش ها و تکریم انسانهاست. نماز چراغ هر خانه و کاشانه، زینت هر شهر و دیار و عطر حیات است.

۲-۳. اقامه نماز داعی به پیشگیری از جرم

طبیعت نماز از آنجا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می اندازد دارای اثر بازدارندگی از فحشا و منکر است. انسانی که به نماز می ایستد، تکبیر می گوید، خدا را از همه چیز برتر و بالاتر می شمارد، به یاد نعمت های او می افتد، حمد و سپاس او را می گوید، او را به رحمانیت و رحیمیت می ستاید، به یاد روز جزا می افتد، اعتراف به بندگی او می کند، از او یاری می جوید، صراط مستقیم را از او می طلبد و از راه کسانی که غضب بر آن ها شده و گمراهان به خدا پناه می برد.

انسان هنگامی که آماده مقدمات نماز می شود، خود را شست و شو می دهد، پاک می کند، حرام و غضب را از خود دور می سازد و به بارگاه دوست می رود. همه این امور تاثیر بازدارنده در برابر

فحشا و منکرات دارد. منتها هر نمازی به همان اندازه که از شرایط کمال و روح عبادت برخوردار است، نهی از فحشا و منکر می کند، گاهی نهی کلی و جامع و گاه نهی جزئی و محدود. ممکن نیست کسی نماز بخواند و هیچ گونه اثری در او نبخشد هر چه نمازش صوری باشد، هر چند نمازگزار آلوده به گناه باشد. البته این گونه نماز تاثیرش کم است، این گونه افراد اگر همان نماز را نمی خواندند از این هم آلوده تر بودند. روشن تر بگوییم نهی از فحشا و منکر سلسله مراتب و درجات زیادی دارد و هر نمازی به نسبت رعایت شرایط دارای بعضی از درجات است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۱۶، ص ۲۶۷)

مهم ترین تاثیرات نماز در پیش گیری از جرم عبارت است از:

- ۱- نماز سدی در برابر گناهان آینده است چرا که روح ایمان را در انسان تقویت می کند و نهال تقوا را در دل پرورش می دهد و ایمان و تقوا نیرومندترین سد در برابر گناه است.
- ۲- نماز، غفلت زداست. بزرگترین مصیبت برای رهروان حق آن است که هدف آفرینش خود را فراموش کنند و غرق در زندگی مادی شوند اما نماز به انسان هشدار می دهد و هدف آفرینش را به او یادآور می شود.
- ۳- نماز خودبینی و کبر را درهم می شکند چرا که در شبانه روز هفده رکعت و در هر رکعت دوبار پیشانی بر خاک می گذارد و خود را ذره کوچکی در برابر عظمت او می بیند بلکه صفری در برابر بی نهایت.
- ۴- نماز وسیله پرورش فضایل اخلاق و تکامل معنوی انسان است چرا که انسان را از جهان محدود ماده و چهار دیوار عالم طبیعت بیرون می برد و به ملکوت آسمان ها دعوت می کند، با فرشتگان هم صدا و هم راز می سازد، خود را بدون نیاز به هیچ واسطه در برابر خدا می بیند و با او به گفتگو برمی خیزد.
- ۵- نماز به اعمال انسان ارزش و روح می دهد چرا که نماز روح اخلاص را زنده می کند زیرا نماز مجموعه ای از نیت خالص و گفتار پاک و اعمال خالصانه، تکرار این مجموعه در شبانه روز بذر سایر اعمال نیک را در جان انسان می پاشد و روح اخلاص را تقویت می کند.
- ۶- نماز به ما می آموزد که شرایط صحت عمل، مکان، لباس و فرش نمازگزار است که باید از هرگونه آلودگی پاک باشد و در آن غصب و تجاوز، کم فروشی، رشوه خواری، کسب اموال حرام، ظلم و ربا و ... نباشد.



۷- نماز وسیله شستشوی از گناهان و مغفرت و آمرزش الهی است چرا که خواه ناخواه انسان را به توبه و اصلاح گذشته دعوت می کند.

نماز باعث ایجاد آرامش روحی و بهداشت روانی می گردد و نماز آرام جان نمازگزار است. پس هر عامل آرام بخشی قابل ستایش است و نماز یکی از بهترین عوامل آرامش آور روحی است چرا که انسان را به بی نهایت ارتباط می دهد. در سوره عنکبوت آیه ۱۵، خداوند می فرماید: «واقم الصلوة فان الصلوة تنهى عن الفحشا والمنکر ولذکر الله اکبر؛ و نماز را به پا دار، زیرا همانا که نماز تو را از کار زشت و ناپسند باز می دارد و البته چون نماز ذکر خداست با عظمت تر است».

مشاهده می کنیم این آیه دو فایده بازندارندگی نماز از گناه و ذکر خداوند بودنش را یادآور می شود و خاصیت دوم را مهم تر از اولی می داند زیرا اگر تنها بازده اخلاقی می داشت و جلو بدرفتار را می گرفت کافی نبود، چون تنها انسان به اخلاق نیاز ندارد بلکه علاوه بر آن به تربیت و آرامش روحی هم نیازمند است و از این نظر که نماز این خاصیت را نیز دارد، این یکی مهم تر است.

از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمودند: «خدای بزرگ نماز را روح چشم من قرار داد و آن را محبوب من قرار داد چنانکه غذا برای گرسنه محبوب یا تشنه به آب علاقه دارد؛ گرسنه و تشنه از آب و غذا سیر می شوند ولی من از نماز سیر نمی شوم.» (ری شهری، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۲۹۸)

پس عبادت و نماز نیاز مبرم روح آدمی است زیرا انسان از فطرت کمال خواهی برخوردار است و خدا نیز بر طبق برهان، کمال مطلق است و عبادت راهی به سوی کمال مطلق پیش پای انسان قرار داده که با پیمودن آن موفق می شود. از سوی دیگر هر محدودی به بی نهایت و هر عشقی به معشوق رهسپار است، موجب آرامش دل و جان آدمی است و این صغرای قیاس به عنوان کبرای کلی ذکر حق آرام بخش دل است زیرا معشوق کل و کمال مطلق است و جز یاد او آرامش روحی و بهداشت روانی ایجاد نمی کند.

در روایاتی از پیامبر گرامی آورده اند که فرمودند: «من لم تنهه صلوته عن الفحشاء والمنکر لم یزد من الله الا بعدا؛ کسی که نمازش او را از زشتی و گناه باز ندارد، جز دوری از خدا هیچ بهره ای از آن نبرده است.» و نیز از آن حضرت آورده اند که فرمودند: «لا صلوة لمن لم یطع الصلوة و طاعة الصلوة ان ینتهی عن الفحشاء والمنکر. کسی که فرمانبرداری از نماز نکند، نماز او درحقیقت نماز درست و خداپسندانه ای نیست؛ و فرمانبرداری از نماز نیز آن است که نمازگزار از زشتی و گناه دوری جوید و هشدار نماز را بپذیرد.»

به بیان دیگر، پیام روایت این است که نماز هنگامی که انسان را از گناه و زشتی دور می سازد که به آن دل دهد و پیام انسان ساز آن را بشنود و کارهایی انجام دهد که به خدا نزدیک گردد؛ اما هنگامی که نمازگزار از گناه و زشتی دوری نجوید، نماز او دارای وصف و شرایط و اثر مورد نظر قرآن نیست و تنها زمانی نماز او اثر بخش و مفید و انسان یاز می گردد که از نافرمانی خدا توبه کند و خویشتن را از اسارت هواها و هوس ها و وسوسه های شیطان نجات بخشد و این کار ممکن است و گاه نماز سرانجام چنین اثری در نمازگزار می گذارد.

انس بن مالک آورده است که جوانی از «انصار» نمازهایش را با پیامبر گرامی به جماعت می خواند، اما در زندگی به گناه و زشتی نیز دست می زد، برخی جریان او را به پیامبر گرامی گزارش کردند و پیامبر فرمود: سرانجام نماز او، وی را به راه درست راه نموده و از گناه و نافرمانی خدا باز می دارد؛ فاقل انّ صلوته تنهاه یوما و نیز آورده اند که: به آن حضرت گزارش گردید که یکی از تازه مسلمانان روزها نماز می گزارد و در همان حال شبانگهان دست به سرقت می زند؛ پیامبر گرامی فرمود: نماز او سرانجام وی را از گناهایش باز خواهد داشت. قیل لرسول الله انّ فلاناً یصلی بالنهار و یسرق باللیل؛ فقال انّ صلوته لتردعه.

از ششمین امام حضرت صادق آورده اند که فرمود: «من احبّ ان یعلم اقبلت صلوته ام لم تقبل فلینظر منعه صلوته عن الفحشاء والمنکر؛ فقدّر ما منعه قبلت منه؛ کسی که دوست دارد بداند که آیا نمازش پذیرفته است یا نه باید بنگرد که آن نماز او را از زشتی و گناه بازداشته است یا نه؟ به همان اندازه ای که نمازش او را از گناه و زشتی بازداشته و به خدا نزدیک کرده است، همان اندازه پذیرفته بارگاه خداست.» (طبرسی، ۱۳۸۴، ذیل آیه ۴۵ سوره عنکبوت)

۴. تاثیر روزه در پابندی به قوانین اجتماعی

روزه؛ عملی است عبادی که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل نماید، خودداری کند. در حدیث قدسی از پیامبر اکرم (ص) منقول است که خداوند می فرماید: «الصوم لی و أنا اجزی به روزه برای من است و من خود، پاداش آن را می دهم.» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۲۹۲)

امام جعفر صادق (ع) می فرماید: «بنی الاسلام علی خمس دعائم؛ علی الصلاة والزکاة و الصوم و الحج و ولایة امیر المومنین و الائمه من ولده صلوات الله علیهم اجمعین؛ اسلام بر پنج پایه استوار



است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت امیر المومنین و فرزندان آن حضرت، درود و صلوات خدا بر ایشان باد - که امام هستند». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۹۳، ص ۲۵۷)

برقراری خلوص و پاکی، احساس درد و رنج مستمندان، آگاهی بر فقر خود در قیامت، صبر در سختی ها از جمله حکمت های وجوب روزه است که در روایات به آن ها اشاره شده است. حضرت فاطمه زهرا (س) فرمود: «فرض الله الصیام تثبیتاً للاخلاص؛ (همان، ص ۳۶۸) خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص واجب کرده است.»

از امام رضا (ع) نقل شده که فرمود: «علت واجب شدن روزه آن است که مردم، سخت گرسنگی را چشیده و بر فقر در آخرت آگاه شوند. روزه دار خاشع و فروتن گردد و توجه کند که اعمالش به حساب می آید و پاداش می گیرد و نیز مقابل گرسنگی و تشنگی شکبیا شود و علاوه بر دوری از شهوات، ثواب الهی نصیبش گردد...؛ و از سختی های مستمندان باخبر شود تا حقی را که خداوند در اموالش قرار داده است، ادا نماید.» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص ۱۱۷)

امام صادق (ع) می فرماید: «اذا صمت فلیصم سمعک و بصرک من الحرام و القبیح و دع المرء و اذی الخادم و لیکن علیک وقار الصائم و لا تجعل یوم صومک کیوم فطرک؛ چون روزه گرفتی، گوش و چشمت نیز باید از حرام و کار زشت روزه باشند و از ریا و آزار زیر دستان دور باشی و باید وقار روزه دار در تو مشاهده شود و روزهایی را که روزه هستی مانند دیگر روزهایت نباشد.»

امام خمینی (ره) می فرماید: «معنای روزه فقط خودداری و امساک از خوردن و آشامیدن نمی باشد، از معاصی هم باید خودداری کرد. این، از آداب اولیه ی روزه می باشد که برای مبتدی هاست... شما اقلأً به آداب اولیه روزه عمل نمایید و همان طور که شکم را از خوردن و آشامیدن نگه می دارید، چشم و گوش و زبان را هم از معاصی بازدارید... کینه، حسد و دیگر صفات زشت شیطانی را از دل بیرون کنید. اگر توانستید، انقطاع الی الله حاصل کنید؛ اعمال خود را خالص و بی ریا انجام دهید؛ از شیاطین انس و جن منقطع شوید.» (خمینی، ۱۳۹۴، ص ۲۷۸)

در تمامی اعمال عبادی انسان راه شرک وجود دارد، روزه تنها عبادتی است که فقط برای خدا می تواند باشد. روزه علاوه بر اینکه از ارکان دین است، دعای فرشتگان را نیز به همراه دارد «ان الله و کل ملائکة بالدعاء صائمین؛ خداوند سبحان فرشتگانی را قرار داده که برای روزه داران دعا کند.»

همان طور که می دانیم ماه پرفضیلت رمضان فرصتی طلایی برای تزکیه نفس و معرف یافتن به معبود هستی است که بدون شک تاثیر شگرفی بر پیشرفت فردی و اجتماعی دارد. به درستی می

توان، روزه را فضل خداوند بر امت آخرین پیامبر خود دانست. چرا که در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «همانا خداوند روزه ماه مبارک رمضان را بر انبیاء گذشته بدون امتشان واجب گردانید؛ ولی فضل خدا بر امت رسول الله (ص) این بود که روزه را بر پیامبر و امتش واجب نمود.» روزه علاوه بر داشتن اثرات معنوی و روحانی فردی که در پیش گیری از جرم دارد و ذکر شد، تاثیرات قابل توجهی نیز بر پیش گیری از جرم در اجتماع دارد که به بررسی آن می پردازیم.

۱-۴. احترام به قانون و دیگر افراد جامعه

داشتن صبر در مواجهه با رفتار و گفتار دیگران از جمله پایه های اساسی یک رابطه اجتماعی سازنده است. روزه از جمله اعمال عبادی است که زمینه تقویت صبر را در انسان مهیا می کند. در جامعه ای که روزه به عنوان یک فریضه دینی مورد توجه است، همه افراد خود را موظف به خویشتن داری و رعایت احترام آن جامعه می دانند و از هرکاری که موجب جریحه دار شدن و آزار روزه داران می گردد، پرهیز می کنند. در جامعه روزه دار، خوردن و آشامیدن و حرکات ضد اخلاقی مغایر با رفتار دینی به شدت محکوم است و انسان های فهیم خویشتن را از آن دور نگه می دارند. در ماه مبارک رمضان، روزه داران تنها از خوردن امساک نمی نمایند بلکه تمامی اعضا و جوارح باید روزه داشته باشند. مراقبت از زبان و چشم و گوش نقش زیادی در ارتباط با سالم سازی اجتماعی دارد. روزه یک عامل کنترل کننده است که به عنوان پلیس درونی بر رفتار فرد نظارت داشته و امنیت اجتماعی را در پی خواهد داشت. می توان گفت عبادات الهی خصوصاً نماز و روزه، عامل مهم و اساسی برای تقلیل گناه، از جمله کاهش جرایم و تخلفات اجتماعی است. بهترین شاهد بر این مدعا این است که جرایم و تخلفات در میان نمازگزاران و روزه داران در ماه مبارک رمضان به مراتب کمتر از دیگران است. آمارها نشان می دهد که جرایمی همچون سرقت و جنایت و قتل و ضرب و جرح و تجاوز به عنف و فحشا و منکر در این ماه به شدت کاهش پیدا میکند. بنابراین با آمدن رمضان، فضای جامعه فضای روحانی و معنوی می شود و عموم جامعه تحت تأثیر قرار می گیرند. در چنین فضایی، انگیزه ها و عوامل گناه و تخلف و ارتکاب جرم به شدت تقلیل پیدا می کند؛ بنابراین، ماه رمضان و روزه، عامل تربیتی مهمی برای کاهش جرایم و تخلفات اجتماعی است. روزه سبب می شود با ایجاد تحول درونی در انسان، بسترهای ناهنجاری ها را از بین ببرد و امنیت اجتماعی را ارتقا دهد.

۲-۴. چشیدن مزه گرسنگی در اغنیا

وقتی از امام رضا (ع)، در مورد وجوب روزه سوال شد، امام می فرماید: «عله الصوم لعرفان مس الجوع و العطش، علت روزه گرفتن (نشناختن) چشیدن مزه گرسنگی و تشنگی است.» (حر عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، باب اول، حدیث ۳)

در روایت دیگر امام صادق (ع) می فرماید: «انما فرض الله الصیام لیستوی به الغنی و الفقیر؛ خداوند روزه را واجب کرد تا ثروتمند و فقیر مساوی باشند.»

در حقیقت روزه درس مساوات و برابری جامعه است. با روزه گرفتن حال و روز گرسنگان جامعه به طور ملموس بر ثروتمندان معلوم می شود. روزه وسیله ای است که ثروتمندان را از غفلت می رهاند تا رنج مستمندان را به یاد آورند و به دستگیری فقیران همت گمارند و به درد دل آنان برسند. روزه حس هم دردی وهم سوئی با قشر مستضعف را در انسان بیدار می کند. روزه دار با گرسنگی و تشنگی موقتی خود، موقعیت گرسنگان و مستمندان را بهتر درک می کند و به همین دلیل می کوشد تا حقوق زیر دستان را ضایع نکند و از دردهای محرومان غافل نباشد.

۳-۴. ایجاد فضای معنوی در جامعه و کاهش آسیب های اجتماعی

روزه، روحیه تقوا و خویشن داری انسان را ایجاد و آن را به مرور زمان افزایش می دهد و در تربیت روحی تک تک افراد جامعه تأثیر مستقیم دارد؛ زیرا بیشتر گناهان فردی و اجتماعی، از دو ریشه غضب و شهوت سرچشمه می گیرند و روزه، جلوی تندی های این دو غریزه را می گیرد. لذا سبب کاهش فساد در جامعه و افزایش تقوا می شود.

مسلم است جامعه ای که بیشتر افراد آن به ویژه در ماه رمضان روزه دار هستند، از فضای معنوی ویژه ای برخوردار خواهد بود و باعث ایجاد همدلی، همگرایی اجتماعی و کاهش آسیب های فرهنگی و اجتماعی می شود.

بر اساس آماری که از سوی مراجع مربوط اعلام می گردد، هر ساله با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان میزان جرایم جسمی و جنسی به میزان قابل توجهی کاهش می یابد. ریشه این اصلاح اجتماعی را باید در گرایش افراد جامعه به معنویات و سلطه معنویت بر جامعه جستجو کرد. این راهکار بزرگ معنوی می تواند راه گشای دیگر معضلات اجتماع اسلامی و نیز بشری قرار گیرد؛ به گونه ای که با

تبیین و گسترش صحیح مسائل دینی و روحانی، می توان به ستیز اهریمن پلیدی ها و نادرستی ها رفت.

نتیجه

انسان، موجودی اجتماعی بوده و در زندگی خویش ناگزیر از ارتباط و تعامل با دیگران است؛ چنانکه رشد و تأمین سعادت آدمی، در گرو توسعه همه جانبه جامعه بوده، تعالی جامعه نیز در گرو رفتارهای اجتماعی افرادی است که در آن زندگی می کنند. دین اسلام، بیشتر از اینکه دارای آموزه های فردی و اخلاقی باشد، ارائه دهنده آموزه های اجتماعی و سیاسی است و معمولاً اهداف این آیین کامل الهی، از بستر اجتماع گذر می کند.

بر این اساس، بسیاری از مبانی دین اسلام ضمن تأکید بر حضور موثر در جامعه، بر رویکرد و راهکارهای خاصی عنایت دارد که به رفتارهای مطلوب در جامعه می انجامد. همان طور که می دانیم در جامعه محیط های مختلفی مثل خانواده، مدرسه، مسجد و ... فرد را احاطه کرده اند. لذا عبادت سبب می شود که فرد در این محیط ها رفتار اجتماعی مطلوبی از خود نشان دهد عبادت از طریق ایجاد و تقویت خود کنترلی، حاکم سازی روح جرم ستیزی در محیط، احترام به قانون و دیگر افراد جامعه و ایجاد فضای معنوی در جامعه و کاهش آسیب های اجتماعی موجب پایداری به قوانین اجتماعی می گردد.



فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه محمد علی رضایی اصفهانی و همکاران، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی دار الذکر، ۱۳۸۲ ش.

۱. ابن عبد ربه، شهاب الدین احمد، العقد الفرید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳. اسفندیاری، محمد، بُعد اجتماعی اسلام، تهران؛ صحیفه خرد، چاپ سوم، ۱۳۸۸ ش.
۴. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، دمشق: دارالقلم، بیروت: دار الشافیة، چ اول، ۱۴۱۶ ق.
۵. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۹ ق.
۶. جمعی از نویسندگان، مسجد، خانواده و نماز، تهران، نشر نماز، ۱۳۹۰ ش.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق ربانی شیرازی، عبد الرحیم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چ پنجم، ۱۴۰۳ ق.
۸. خمینی (امام)، روح الله، جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ سی ام، ۱۳۹۴ ش.
۹. خوارزمی، الموفق بن احمد، المناقب، تهران، موسسه فرهنگی سامه، ۱۳۷۵ ش.
۱۰. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، مؤسسه انتشارات منشور، چ یازدهم، ۱۳۸۰ ش.
۱۱. رشادتی، جعفر، پیشگیری از جرم در قرآن، قم، پیام راشده، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم المشهور بتفسیر المنار، گرد آورنده ابراهیم شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
۱۳. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمه، قم، موسسه فرهنگی دارالحدیث، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۸ ش.
۱۴. شرقاوی، عبدالرحمن، علی امام المتقین، بیروت، مکتبه النوری، ۱۴۰۲ ق.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ هشتم، ۱۳۸۴ ش.
۱۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰ ش.
۱۸. فرانکل، ویکتور، انسان در جستجوی معنا، ترجمه دکتر علی اکبر معارفی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ یازدهم، ۱۳۹۳ ش.
۱۹. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران، موسسه فرهنگی درسهایی از قرآن، چاپ بیست و سوم، ۱۳۹۱ ش.
۲۰. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، دار الکتب العلمیه، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، موسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۴ ق.
۲۳. مدرسی، سید هادی، ویژگی اخلاقی در شخصیت امام علی (ع)، قم، محبان الحسین (ع)، ۱۳۸۱ ش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامیه، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۱ ش.
۲۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی، جامع السعادات، قم، انتشارات قائم آل محمد (ص)، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش.
۲۶. نوری، طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۲۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۹ ش.